ایشان تصدیق شما نمایند وَقَدْ كَانَ وحال آنکه بودند فَرِيقٌ گروهی مِنْهُمْ از اسلاف ایشان که بی واسطه يَسْمَعُونَ شنیدند كَلَامَ
اللَّهِ سخن خدا را وآن هفتاد تن اند که موسی ع با خود بطور برده بود و ایشان کلام حق از وراء حجاب غمام شنیدند ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ
پس بگردانیدند آن سخن را چون میان قوم آمدند و گفتند آری سخن حق شنیدیم و امر و نهی استماع کردیم اما خدای ما
در آخر سخن گفت که اگر این کارها که فرمودم توانید کرد بکنید و اگر نتوانید قادر نباشید بگذارید و باک مدارید و در زاد المسیر آورده
کرده‌ای صاحب نوادر این قول را انکار نموده میگوید مخصوص بتشریف سماع کلام الهی همین موسی بوده و پس اولی آن باشد که گویند
مراد ازین فریق احبار زمان سید انبیاست صلوات الله علیه که تحریف کردند حکم رجم را و برای خاطر اغنیا ایشان خویش و تغییر
دادند نعت پیغمبر را از ترس آنکه رشوه نرسد و سماع ایشان مر کلام خدای یعنی توریه را بواسطه باشد یعنی توریه را شنیدند و تحریف کردند
مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ از پس آنکه دانسته بودند آن را و دریافته و ایشان را دران شکی نمانده یعنی این عمل نه بفراموشی و خطا از ایشان صادر شد
بلکه عمد محض بود وَهُمْ يَعْلَمُونَ و ایشان میدانند که افترا مینمایند و آنچه میکنند خائن اند و مستحق عذاب چون احبار را کار ایشان از
این حال بوده از سفله و جهال ایشان چه طمع توان داشت در لطائف قشیری آمده است که هرگاه ایشان کلامی را که بی واسطه شنیدند
تحریف و تبدیل نموده خیانت دران روا داشتند این زمان که بواسطه رسولی بدیشان میرسد چگونه نشنوند و بدان ایمان آرند بی
بصیرتان که بعد از عیان برهان صرف جهل باقی مانند کجا برهان تصدیق خواهند کرد بیت چشمی که ندید روز روشن چه عجب
اندر شب مهتاب چه خواهد دیدن ع دوم از قبایح ایشان نفاقست بیان آن کو وَإِذَا لَقُوا و چون به بینند یهود الَّذِينَ
آنان را که ایشان آمَنُوا ایمان آوردند از اصحاب رسول ص قَالُوا گویند که آمَنَّا ما نیز گرویده‌ایم و با شما در ایمان متفقیم
و چون خلوت کنند وَإِذَا خَلَا برخی از اصاغر ایشان بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ برخی از کبار چون کعب بن اشرف و حیی بن اخطب قَالُوا
گویند آن کبار ایشان را أَتُحَدِّثُونَهُمْ آیا شما حدیث میکنید و خبر میدهید مر اصحاب را ص بِمَا فَتَحَ اللَّهُ آنچه گشاده است خدای
ابواب دانش آن را عَلَيْكُمْ بر شما یا حکم کرده است در توریه که محمد را صلوات الله علیه حق است و در ینابیع آورده که روزی حضرت
پیغمبر ص فرمود که بعد ازین جهودان در مدینه نیایند که از در آمدن ایشان فتنه ظاهر میشود و بعضی از یهود که چندان معاندتی نداشتند
اول روز بمدینه در آمدند که ما مسلمانیم همچو شما مسلمانان میگفتند نعت صفت حضرت رسالت را ص در توریه هست و چون
آخر روز باز پس گشتندی در رؤسا خود در فقه صورت حال تقریر میکردند بزرگان ایشان را سرزنش میفرمودند که شما ایشان را
از اسرار توریه خبر میدهید لِيُحَاجُّوكُمْ تا مخاصمه کنند و حجت بر شما گیرند بِهِ بدان چیزی که دانسته باشند عِنْدَ رَبِّكُمْ نزد پروردگار
شما روز قیامت و گویند حق را دانستید و از روی عناد متابعت نکردید أَفَلَا تَعْقِلُونَ آیا چرا نمی‌یابید اینمقدار که اسرار خود
با خصم در میان نباید نهاد یا مؤمنان را میگوید که چرا تعقل نمیکنید حال این طایفه را و از جهل ایشان تعجب مینمائید که گمان برده‌اند
که وبال انکار از اقرار کمتر است و ندانسته‌اند که اگر چنان دارند و مؤمنان را بر ایشان حجت نباشد حق سبحانه را که میداند نهان ایشان
حجت ثابتست أَوَلَا يَعْلَمُونَ آیا نمیدانند این جهودان که أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ بتحقیق خدای تعالی میداند مَا يُسِرُّونَ آنچه پنهان میدارند

از عداوة

از عداوت رسول ص و اصحاب وَمَا يُعْلِنُونَ و آنچه آشکارا میکنند از دوستی پیغمبر و صحابه بنفاق یا پنهان میدارند از اعتقاد کفر و آشکارا
میکنند از اقرار در روش عارفان اشارتی کفایه باشد چون رب العالمین گفت بر نهانیها مطلعم و اسرار ضمائر دانم ایشان
سر خویش را از غبار اغیار پاک ساختند و خانه باطن را از خس و خار بیگانه پرداختند بیت خانه دل پاک باید تا درو
اقبال تابد فرو : آیینه هر چند روشن‌تر شود : جلوه صورت درو بهتر بود : و چون فرمود که من بآشکار اداناییم و بافعال
و ظاهر افعال ایشان نیز در ظاهر با خلق خدای راستی بجا آوردند و رقم نفاق که اکثر مردم آن را عقل معیشتی گویند از لوح خاطر محو
کردند و ازینجا گفته‌اند سر تعلم ما یسرون دوام مراقبت میان بنده و حق و رمز ما یعلنون صدق معامله بنده است با خلق و جای
صادق آمده که علانیه بساط کرامتست و سر خلوتگاه وصلت هر که ظاهر با شریعت راست کند بر بساط کرامت راه یابد و اگر باطن
بحقیقت بیاراید در خلوتگاه وصلت و قربت محرم اسرار گردد ای عزیز هر که مضمون این آیه در نظر دارد هر چه بصورت معنی ناشایست
و ناپسند باشد درگذرد و در بعضی از کتب منزله هست که ای پسر آدم اگر میدانی که ترا می‌بینم خود را میان تو خلل است و اگر میدانی
که می‌بینم چرا مرا خوارترین نظرکنندگان میداری یعنی عملهای بد خود را از نظر همه کس میپوشی و از آنکه من می‌بینم هیچ
اندیشه نمیکنی أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ صاحب روح الارواح در شرح اسم الرقیب آورده که چون بنده دانست که حق جل جلاله
نگاهبان اوست باید که لباس مراقبت در پوشد و در حفظ احوال اقوال و اعمال خود کوشد وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ ورد روزگار خود
سازد وما کنا عن الخلق غافلین نقش نگین یقین خود گرداند آورده‌اند که بمکه زنی بود فاجره اما صورتی دلپذیر و سخنی دلربای
گیر داشت با جمعی بعسفان شرط بست که طاوس یمانی را از راه ببرم و طاوس بر دیگر روی وار آنچه ظاهر بود آن زن
بیامد و خود را بر وی جلوه داد و طاوس گفت صبر کن تا وقتی که بمقام ابراهیم یا مشعر یا منحنی کوی چون طاوس بدان مقام آمد زن
وسوسه وصال آغاز نهاد و طاوس را بخود دعوت کرد و طاوس گفت سمعا و طاعة هر چه مراد تست درین مقام میسر میشود که من جای
دیگر ندارم زن گفت سبحان الله خلقی بدین بسیاری مینگرند این کار چگونه توان کرد شیخ گفت ای غافل اندیشه نکنی
که مخلوق چند پرهیز میکنی و از دیده مولی که خالقست احتراز نمی‌نمایی این سخن تیری بود که از کمانگاه غیب بهدف دل آن زن رسید
شهقه زد و بیهوش گشت و چون بهوش آمد توبه کرد و یکی از مقبولان درگاه شد بیت هوا را دست بگشادی نبینی آنکه میبیند
خورا دیده و بربستی نمی‌بینی که می‌بیند : کسی زان دانش و بینش خبر دارد که چون مردان : ز بزم عیش برخیزد بکنج قبر بنشیند
وَمِنْهُمْ و از یهود أُمِّيُّونَ جماعتی اند نا نویسنده و نا خواننده و امی نسبت بام است یعنی آنکس که با مادر بزرگ شده و از و مفارقت
نکرده تا بدانایان تردد نموده باشد و چیزی آموخته یا همچنانست که از مادر متولد شده و چیزی نمیداند یا کتابت غالبا مردان را باشد
و آنکه کتابت ندانند منسوب باشند یا منسوب‌اند بام که اصلست یعنی خلقه معنی آن باشد که ایشان بر همان خلقت اند که روز
ولادت بوده بتعلیم ترقی نیافته ابو عبیده گوید اینجا امیون خوانند کتابی منسوب بام الکتاب ای عزیز امی بودن
یهود بر سبیل مذمت یاد کرده و امی بودن حضرت رسالت ص که النبی الامی الذی یؤمن بانه بطریق مدح و منقبت و حقیقت

Copyright © King Saud University